

هشت نکته کلیدی درباره پاسخ به شبهات

آیت‌الله سیداحمد خاتمی*

اشاره

آنچه که پیش‌روی دارید سخنرانی آیت‌الله سیداحمد خاتمی عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه، با موضوع مباحثی در مورد پاسخگویی به پرسش‌ها انجام گرفته است. در این نشست به مباحثی همچون: ارزش بالای پاسخ به شبهات، مطلوب بودن پرسش، ادبیات و انگیزه پرسش، لزوم تخصصی بودن پاسخ‌ها، مورد توجه قرار گرفته است. از اینکه در جمع شما دردمندان دین، عزیزانی که غیرت دین دارید و در عرصه دفاع از دین در صحنه حاضر هستید، حضور دارم خوشحال هستم.

اینگونه مسائل را مقام‌معظم‌رهبری پیگیر هستند. نهادی که باید پاسخگوی مباحث دینی و مربوط به نظام اسلامی باشد، حوزه است. بنده نکاتی را در زمینه پاسخگویی به پرسش‌ها برای جمع فرهیختگان و ارزشمندان شما آماده کرده‌ام، که به آن نکته‌ها می‌پردازم.

۱. مطلوب بودن پرسش

مطلب اول اینکه قرآن و روایات ما پرسیدن در حوزه دین را یک فضیلت و ارزش می‌دانند. پانزده بار در قرآن کلمه « یَسْأَلُونَكَ » آمده است و در هیچیک از این‌ها نهی نیامده است، بلکه با پاسخی که داده است از این سؤال و پرسش، تجلیل کرده است. یک مورد ما نداریم که مورد توبیخ و نهی قرار داده باشند.

*. عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه؛ سخنگوی هیئت رئیسه مجلس خبرگان و امام جمعه موقت تهران

بله! سؤالات لجبازانه را مورد نکوهش قرار داده‌اند، سؤالاتی که برخی می‌پرسیدند مثلاً چند تار مو روی سر من است، این سؤالات مورد توبیخ است، این‌گونه سؤالات فرصت‌سوزی است.

روایتی از کتاب میزان الحکمة در باب سؤال می‌خوانم، روایات زیادی در آن است. نبی اکرم ﷺ فرمود: «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِيهِ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَ الْمَعْلَمِ وَ الْمُسْتَمِعِ وَ الْمُحِبِّ لَهُمْ» (میزان الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری، ج ۱، ص ۱۲۱۶) حتی و المحب لهم هم مورد اجر و پاداش واقع شده است.

سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام هم این بوده است که تجلیل می‌کردند از کسی که آمده است سؤال کند. حالا اگر دوستان در حاشیه کار خودشان به جمع‌آوری این روایاتی بپردازند که «سئَل» دارد یک کتاب قطور می‌شود. البته بخش اعتقادی آن چه بسا از بخش احکامی آن کمتر باشد.

در کتاب سفینه البحار ذیل کلمه «سَأَلَ» وارد شده است: «جاء رجل إلى أميرالمؤمنين فقال جئتُك لأسأل أن أربح مسائل، چهارتا سؤال بیشتر ندارم، فقال عليه السلام سل و إن كان أربعين، چهل تا باشد چه اشکالی دارد، فقال أخبرني ماالصعب و ماالأصعب؟ سخت کدام است و سخت‌ترین کدام است؟ و ماالقريب و ماالأقرب؟ قريب کدام است؟ أقرب کدام است؟ و ماالعجب و ماالأعجب؟، تعجب بر سر چیست و تعجب بیشتر برای کجاست؟ و ماالواجب و ماالأوجب؟ فقال عليه السلام الصَّعب المعصية و الأصعب، فوت ثوابها، ترک گناه سخت‌تر است. و القريب كل ما هو آتٍ، قريب هر چیزی است که به سراغ شما می‌آید، و الأقرب هو الموت و العجب هو الدنيا، آنکه مورد تعجب است دنیا و جلوه‌های دنیا است، و غفلتنا فيه أعجب، غفلت ما از اینکه این دنیا ماندگار نیست تعجب آن بیشتر است، و الواجب هو التوبة و ترک الذنوب هو الأوجب، آدم اصلاً گناه نکند که نیازی به توبه داشته باشد. (شیخ عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم، ج ۴، ص ۲۰) چندتا روایت دیگر هم در این عرصه مرحوم شیخ عباس قمی آورده است.

۲. ادبیات و انگیزه پرسشی

مطلب دوم ادبیات پرسش است. ادبیات هم خیلی مهم است. در چند روایت، در غررالحکم و نهج البلاغه و جاهای دیگر آمده که مولا علی علیه‌السلام فرمود: «إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلْ تَفَقُّهَا»، ادبیات پرسش و پاسخ، چه مجلس پرسش و پاسخ، چه سؤال اینترنتی و چه سؤال فضای

مجازی بایستی با انگیزه فهم باشد، «و لا تَسْأَلْ تَعْنَتًا»، سؤال نکن برای به زحمت انداختن پاسخ‌دهنده (التمیمی الآمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹۲) همه جا این‌گونه پرسیدن هست، کم هم نیست.

در یک جلسه‌ای برای پرسش و پاسخ، جوانی به بهانه پرسش بلند شد و به طرف جمعیت مشغول سخنرانی شد، این سوء استفاده از جلسه پرسش و پاسخ است. کسی که درصدد فهم است، یک دقیقه، دو دقیقه حرف خودش را می‌زند و آماده شنیدن پاسخ می‌شود. در چنین جاهایی خیلی محترمانه اگر مجلس پرسش و پاسخ است، باید سکوت کرد، طرف خودبه‌خود رها خواهد کرد؛ یا اگر کسی پشت تلفن نمی‌خواهد حقیقت را بفهمد، مراء (ایراد و اعتراض به سخن دیگری) می‌کند، بهترین جواب خداحافظ گفتن و بگو مگو نکردن است.. پس شما که در عرصه پرسش و پاسخ هستید به این ادبیات هم باید توجه داشته باشید که این ادبیات در گذشته‌ها هم بوده است.

۳. شجاعت گفتن «نمی‌دانم»

پاسخ‌دهنده باید شجاعت گفتن «نمی‌دانم» را هم داشته باشد. یکی از شاگردهای مرحوم علامه طباطبایی؛ یعنی مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی، گفت: من سی سال شاگرد علامه بودم، در این سی سال ده‌ها بار از ایشان کلمه «نمی‌دانم» را شنیدم، اما ایشان می‌گفت یک بار من از ایشان کلمه «من» را نشنیدم، این کمال بزرگ و برجسته‌ای است.

مولا علی علیه السلام فرمود: «قَوْلُ لَا أَعْلَمُ، نِصْفُ الْعِلْمِ» (التمیمی الآمدی، غررالحکم: ج ۶۷۵/۸) گفتن «نمی‌دانم»، نصف دانش است، همچنین فرمود: «لا یستحیی العالم إذا سُئِلَ عما لا یَعْلَم أن یقولَ لا عِلْمَ لی به» (البرقی، المحاسن، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۶۶۴)، خجالت نکشد از اینکه جواب سؤالی را نمی‌داند، بگوید نمی‌دانم، این خودش یک شجاعت ستودنی است. «من ترک قول لا أدری اُصیبیت مقاتله» (نهج البلاغه، حکمت ۸۵)، هرکس که جمله نمی‌دانم را ترک بگوید خودش را به کشتن داده است.

البته پرسش و پاسخ‌های تلفنی با جلسه پرسش و پاسخ حضوری متفاوت است. اگر جلسه‌ای با عنوان پرسش و پاسخ ترتیب دادید، روز قبل، سؤالات را نوشته و تنظیم کنید و تنوع سوالی مثلاً یک سؤال اعتقادی، یک سؤال احکامی، سؤال اخلاقی، سؤال سیاسی داشته

باشد، تنوع سؤالات، مستمع را میخکوب خواهد کرد، هم پاسخ به سؤالات خودش را گرفته است و هم یکنواخت نیست. فایده آن هم این است که اگر پاسخ سؤالی را نمی‌دانستید، تلفن می‌زنید به آن کسی که می‌داند و از او پاسخ را می‌گیرید.

شما نگاه کنید شخصیتی مثل آقای قرائتی که در برخی مسائل سیاسی و دینی، می‌پرسد این مسئله پرسیده شده است، زنگ می‌زند و می‌گوید من چه بگویم؟ این نشان‌دهنده بزرگی این مرد است، عیب نیست که از یک طلبه‌ای که روزی روزگاری در کلاس او شرکت کرده است، بپرسد. همین آخرین خطبه‌ای را که در نماز جمعه خواندم، خطبه ۱۹۳ بود، با کسانی مشورت می‌کنم که خودشان می‌گویند ما دوبار خطبه‌های تو را گوش می‌کنیم، یک بار مشورت می‌کنی و می‌گویی چه بگویم، یکی هم خطبه‌های تو است؛ هیچ دون شأن نیست که سروران عزیز، به‌خصوص در مسائل سیاسی و به‌خصوص با این رصدی که فضای مجازی دارد از اهل علم و متخصص در مسائل مختلف سؤال کنید چون گسترش مسائل باعث شده، روی واژه واژه شما در پاسخگویی حساب کنند. اگر جواب سؤالی را نمی‌دانستید بگویید که پاسخ به این سؤال شما را فردا فلان ساعت تماس بگیرید خواهم گفت. حالا اگر مجبور شدید بگویید «می‌دانم»، اگر مجبور نشدید، لزومی ندارد بلکه بگویید پاسخ به این سؤال شما را فردا می‌گویم.

۴. پاسخ ندادن به پرسشی‌های غیر مناسب

همه سؤالات قابلیت پاسخگویی ندارد. یک روایتی در اینجا هست که از آن روایات ناب است، از امام صادق علیه السلام است «إِنَّ مِنْ أَجَابِ فِي كُلِّ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ لِمَجْنُونٍ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۷) کسی که خودش را موظف ببیند به همه سؤالات جواب بدهد، حتما مجنون است؛ چون همه سؤالات جواب دادنی نیستند. برخی سؤالات برای این است که می‌خواهند شما را گرفتار مسائل دیگر کنند؛ مثلاً می‌پرسند: زن می‌تواند رئیس جمهور شود یا نمی‌تواند؟

از بنده سؤال کردند و فقط یک کلمه گفتم، ملاک، عمل به قانون است. همین یک کلمه بنده را گرفتند و سی صفحه، علیه بنده نوشتند، همین یک کلمه، هرچه قانون گفته است. چون قانون می‌گوید رجال سیاسی باشد. بهتر این بود که می‌گفتم سؤال بعدی شما



کدام است؟ حتی این مقدار را آمدند سی صفحه در برخی روزنامه‌ها علیه بنده نوشتند، با اینکه نگفتم می‌شود یا نمی‌شود. پس بنابراین باید دقت کرد که برخی مسائل، مسائل پاسخ دادنی نیست.

۵. لزوم تخصصی بودن پاسخ‌ها

پاسخ دادن به سوالات و شبهات، تخصص می‌خواهد. سفره‌ای که پهن نشده است جای ملامت ندارد؛ اما سفره ناقص جای ملامت دارد، همه ما متخصص هر عرصه‌ای نیستیم. می‌دانیم فلان مؤسسه در پاسخ به مسائل وهابیت از مؤسسات دیگر برتر است، شما شماره تلفن این مؤسسه را داشته باشید، شبهاتی که در این عرصه می‌شود را بگویید شما از اینجا بپرسید یا عرصه مسائل احکام، مسائل احکام مسائل ریز است. بنده گاهی نظرات حضرت آقا را از آقای فلاح زاده می‌گیرم. اینکه بگوییم چون رساله دست ما است، بنابراین همه مسائل را می‌دانیم، صحیح نیست. این تخصص خودش را می‌خواهد، به خصوص اگر فتوای مرجعی را می‌خواهند، شماره تلفن بدهید و بگویید از دفتر ایشان بپرسید.

مسائل سیاسی هم به همین شکل است؛ مثلاً برجام چه شد؟ نظر ایران در مورد پاسخی که آمریکا داده است، چیست؟ این یک سؤال سیاسی است، می‌گوییم هنوز جواب نداده‌اند و اگر جواب هم داده‌اند، مستند می‌گویید این است. در مسائل سیاسی هم گاهی احتیاج به پرسش است.

به چه دلیل می‌گوییم تخصص می‌خواهد؟ به دلیل این دو آیه، «فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳)، گرچه این آیه مربوط به پیشگویی‌هایی که در تورات و انجیل از وجود نبی اکرم ﷺ شده است بوده، ولی نمی‌توان به آن اختصاص داد، «إِنَّ الْقُرْآنَ حَىٰ لَمْ يُمْثْ وَإِنَّهُ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَ كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۴۳) دستورات قرآنی عام است و اختصاص به فرد و جریان خاصی ندارد مگر دلیل داشته باشیم. أهل الذکر در هر مسئله‌ای کسی هست، معرفی و شناسائی شوند و به اهل ذکر در آن مسئله ارجاع شوند. آیه دیگر سوره انبیا، آیه ۷ است.

۶. ارزش بالای پاسخ به شبهات

مطلب دیگر اینکه شبهه‌زدائی دینی خدمتی بزرگ است. شبهه کدام است؟ در خطبه ۳۸ نهج البلاغه امیرالمؤمنین (ع)، «إِنَّمَا سُمِّيتِ الشَّبَهَةُ، شَبَهَةً لِأَنَّهَا تُشَبِّهُ الْحَقَّ»، به شبهه، شبهه

می‌گویند چون شبیه حق است، باطلی است که لباس حق پوشیده است و متأسفانه ما در وسط این شبهات هستیم.

یکی در مقام بیان شرعی می‌گوید: خانم‌ها می‌توانند با لاک هم وضو بگیرند، مشکلی ندارد، به دلیل اینکه قرآن می‌گوید: «فَاغْسِلُوا» (مائده: ۶) یعنی نظیف شوید، انصافاً خامی که لاک زده است نظیف‌تر است یا خامی که لاک زده است؟ هذا مما يضحك به الثكلى؛ یعنی استدلال بسیار سست است. شخص با عمامه هم می‌گوید که مردم بیشتر اغوا شوند. اینجا همه باید او را با بارانی از جواب پاسخ دهند. کل فقها از شیعه و اهل سنت گفته‌اند آب باید به پوست برسد، این خامی که لاک زده است و وضو می‌گیرد، آب به پوست و سطح ناخن نمی‌رسد. یا شخصی می‌گوید: نجاست سگ دلیلی ندارد، کل فقهای شیعه و اهل سنت گفته‌اند: و من النجاسات: الکل؛ می‌گوید در قرآن نیامده است، این شبهه مثل شبهه مخالفین مولا علی است که می‌گویند: چرا اسم مولا علی علیه السلام در قرآن نیامده است؟ امام صادق علیه السلام در جواب فرمودند: مگر همه چیز در قرآن آمده است؟ قرآن کلیات را بیان می‌کند. ما ده هزار فرع فقهی داریم که تعداد زیادی از آن مربوط به نماز است، در قرآن می‌گوید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»، (اسراء: ۷۸) پنج وعده نماز را در قرآن اشاره کرده، اما این همه احکام در قرآن آمده است؟! خیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ مَسَّكُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْزَتِي أَهْلَ بَيْتِي» (دیلمی، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۳۱) اصلاً عترت برای همین است. حرمت سگ در قرآن نیامده است، پس سگ پاک است، این عمامه به سر می‌گوید و چه کثافت کاری‌هایی به دنبال آن انجام می‌شود. خانم چادری می‌آید سگ را می‌بوسد، سگ را می‌شورد، برای اینکه این اغواگری را جا بیندازد. از طریق آیه در مورد حرمت خمر تشکیک می‌کند. «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» (نساء: ۴۳) اما خداوند در جای دیگر گفته است، «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» (مائده: ۹۰) قرآن تصریح به حرمت خمر دارد، لذا سخن گفتن‌ها ناشی از بی‌سوادی است.

مقصود من آن است که ریشه فتنه‌ها، «إِنَّمَا بَدَأَ وَفُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبَعُ وَ أَحْكَامُ تُبْتَدَعُ



يَخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ» (نهج البلاغه: خطبه ۵۰) منشأ فتنه و فسادها (در میان مردم) پیروی از خواهش‌های نفس است و احکامی که برخلاف شرع صادر گردد، کتاب خدا (قرآن کریم) با آن خواهش‌ها و حکم‌ها مخالف است.

پس به شبهه‌ها آن هم در عرصه دینی عنایت ویژه داشته باشید، آن‌ها که ضد دین می‌گویند دائماً در فضای مجازی مطرح هستند، چرا شما که از دین و در عرصه دفاع از دین می‌گویید، منزوی باشید و مطرح نباشید؟ کشور و انقلاب، انقلاب متدینین است.

۷. عدم القاء شبهه جدید از سوی پاسخگو

در پاسخ به شبهات، خودمان شبهه ایجاد نکنیم. عرصه پاسخ به سؤالات، عرصه درس نیست که شما بگویید این قلت، قلت. این قلت بی‌دلیل شما موجب دردسر می‌شود. ما در شورای نگهبان گاهی یک مصوبه‌ای، می‌بینیم اشکال دارد، حاشیه آن هم، چندتا اشکال دیگر هم است، می‌گوییم آن که طرح است یا دیوان عدالت اداری فرستاده است، می‌گوییم آن مقداری که او سؤال کرده است را جواب بدهیم، بیشتر از آنچه بسا شبهه را گسترده‌تر می‌کند. مراجع عالیقدر وقتی استفتائی از آن‌ها می‌شود، گاهی پاسخ ایشان دو کلمه است؛ بسمه تعالی جایز نیست یا جایز است. همه مراجع این‌چنین هستند، سعی می‌کنند به حداقل ما ممکن اکتفا کنند. بنابراین اگر ادامه دادیم چه بسا ما شبهه ایجاد کرده‌ایم.

۸. اهمیت و جذابیت جلسات پرسش و پاسخ

گاهی تمام جلسه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسش و پاسخ بود، تمام جلسه. این روایتی که می‌گوییم در «باب الحبّ و البغض» کتاب اصول کافی (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۴) است. پیغمبر آمد بالای منبر پرسید: «أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟» کدام یک از دستگیره‌های ایمان مطمئن‌تر است؟ یکی گفت نماز، پیغمبر از نماز گفت و تجلیل کرد، فرمود: یک دستگیره محکم‌تر هم هست، یکی گفت: روزه، پیامبر از روزه و عظمت روزه تجلیل کرد و فرمود: مهم‌تر از آن هم هست، تا اینکه خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَلَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶) از نماز گفته است، از روزه گفته است و مهم‌ترین دستگیره ایمان را هم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است.

جلسات پرسش و پاسخ، به‌خصوص برای جوانان بسیار جلسات جذابی است. یک بار به

یک پادگانی که سه هزار جوان داشت رفتم، در پادگان همه جوان هستند. گفتم پرسش و پاسخ، هرچه هم می‌خواهید بپرسید. منتها یک تعهدی هم از مسئول حفاظت آن پادگان گرفتم که این برگه‌ها را از من نخواهید، چون داخل برگه‌ها مطالبی می‌نویسند که گاهی توهین‌های آبدار به گوینده و مسئولین است. این‌ها اگر احساس امنیت کنند، سؤالات خودشان را مطرح می‌کنند، احساس امنیت نکنند، سؤالشان را طرح نمی‌کنند، لذا مسئول حفاظت آنجا قول داد، برگه‌ها را نگیرد. بعضی از این سؤالات، سؤالات تندی به‌خصوص علیه گوینده بود. من آن سؤالات را با آب و تاب می‌خواندم، گفتند شما چرا این کار را می‌کنید؟ لطفاً این برگه را به ما بدهید، اینجا یک سوژه است، گفتم من از شما قول گرفتم که این سوژه‌ها را به شما ندهم، وانگهی شما چه نگرانی دارید، شبهه بادکنک است، این بادکنک اینجا مطرح می‌شود، یک سوزن به این بادکنک می‌خورد و باد آن خالی می‌شود، اما اگر ما چیزی نگوییم، باد این بادکنک خالی می‌شود؟ نه، می‌آید در جلسات گعده‌ای خویش و قومی حرفی می‌گوید. باد بادکنک باید خالی شود، شبهه حکم بادکنک را دارد. سه ساعت این همه جمعیت جوان نشستند، کسی سر خودش را اینطرف و آنطرف هم نکرد، به علت جاذبه‌ای که پرسش و پاسخ داشت.

به هر حال شما در میان مردم، تابلوی حوزه هستید و خداوند به شما عنایت کند که در این عرصه بتوانید موفق باشید. ان شاء الله

والسلام علیکم ورحمة الله